



خواجه نصیر الدین طوسی

استاد نجوم ایران



و فارسی، معانی و بیان و مقداری از علوم منقول از قبیل حدیث و ... را نزد پدر روحانی خود (محمد بن حسن طوسی) فراگرفت در این ایام خواجه نصیر از مادرش در یادگیری خواندن قرآن و متون فارسی استفاده می کرد. خواجه بعد از طی دوره سطح عالی در نیشابور و برای ادامه تحصیل به شهر ری و از آنجا به قم و بعد از مدتی راهی اصفهان شد، لیکن در اصفهان استادی که بتواند از او استفاده نماید، نیافت. بعد از اندک مدتی به عراق مهاجرت نمود در عراق علم فقه را فراگرفته و در سال ۶۱۹ هـ. ق، موفق به اخذ درجه اجتهاد و اجازه روایت از معین الدین گشت. خواجه در عراق در درس اصول فقه علامه حلی حاضر گشت، وی نیز متقابلاً در درس حکمت خواجه شرکت می نمود. خواجه سپس در موصل نجوم و ریاضی را می آموزد به این ترتیب خواجه نصیر دوران تحصیل خود را پشت سر می گذارد و بعد از مدتها دوری از وطن و خانواده قصد عزیمت به خراسان می کند.

شاگردان بسیاری از محضر خواجه کسب علم نموده اند که معروف ترین آنان را می توان علامه حلی و ابن فوطی یکی از شاگردان حنبلی مذهبش نام برد.

تالیفات

آثار علمی و قلمی فراوانی از خواجه به یادگار مانده که به برخی از آنها اشاره می گردد: تجرید العقاید، شرح اشارت بوعلی سینا، قواعد العقاید، اخلاق ناصری، آغاز و انجام، تحریر اقلیدس، تجرید المنطق، اساس الاقتباس، ذیح ایلخانی، آداب البحث، آداب المتعلمین، روضه القلوب، اثبات بقاء نفس، تجرید الهندسه، اثبات جوهر، جامع الحساب، اثبات عقل، جام گیتی نما، اثبات واجب الوجود، الجبر والاختیار، استخراج تقویم، اختیارات نجوم، رساله در کلیات طب، شرح اصول کافی و ...

خواجه نصیر الدین مشهور به محقق طوسی؛ حکیم و دانشمند میهن پرست ایرانی در سال ۵۹۷ هجری در شهر توس دیده به جهان گشود.

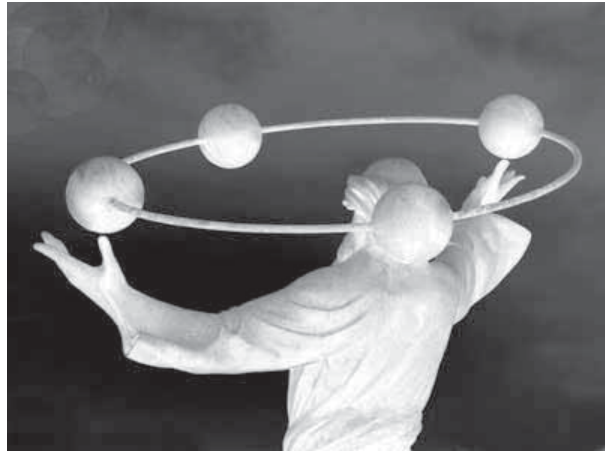
در زمان هلاکوخان به وزارت رسید و انتقام ایرانیان را از دستگاه خلافت و جور عباسیان گرفت و با کمک هلاکو توانست خلافت عباسیان را در بغداد پایان دهد و به قرنهای ستم و بیداد آنها پایان بخشد. او رصدخانه مراغه را با بیش از ۱۲ دستگاه و ابزار نجومی جدید، با ابتکار خود ساخت که از شاهکارهای مراکز علمی جهان در قرون وسطی بود. بعدها تیکوبراوه منجم هلندی با تقلید از او، رصدخانه اوزانین برگ را برپا نمود.

خواجه حدود ۸۰ کتاب و رساله در ریاضیات، نجوم، فلسفه، تفسیر و مسائل اجتماعی نوشت و از کارهای معروف او در علوم، وضع مثلثات و قضایای هندسه کروی، تفهیم بی نهایت کوچکها و تکمیل نظریه ارشمیدس است. وی از مشهورترین دانشمندان قرن هفتم و برترین مولفان این قرن به طور مطلق است. جامعه علمی جهان به پاس خدمات و تلاشهای این دانشمند بزرگ در علم ریاضی و نجوم، نامش را بر کره ماه ثبت نمود. این اندیشمند و متفکر بزرگ سرانجام در سال ۶۷۲ هجری در شهر کاظمین در گذشت.

درباره خواجه نصیر الدین طوسی...

خواجه نصیر الدین طوسی، روز شنبه یازدهم جمادی الاول سال ۵۹۷ هـ. ق در شهر توس خراسان چشم به جهان گشود نام او محمد، کنیه اش (ابو جعفر) لقبش (نصیر الدین) (محقق طوسی) (استاد البشر) و شهرتش (خواجه) است.

خواجه نصیر الدین ایام کودکی و جوانی خود را در توس گذراند و دروس مقدماتی از قبیل خواندن و نوشتن، قرائت قرآن، قواعد زبان عربی



فعالیت

چندی از فتح بغداد نگذشته بود که هلاکو، خواجه را به ساختن رصد خانه تشویق کرد.

خواجه به امر هلاکو، مشاهیر، حکما و منجمان را به مراغه احضار کرد. ساختن رصد خانه مراغه در سال ۶۵۶ هـ. ق، آغاز و در سال ۶۷۲ هـ. ق، به اتمام رسید. خواجه توانست کتابخانه عظیمی در آنجا تأسیس کند. تعداد کتب آن را بالغ بر چهار صد هزار جلد نوشته اند.

دوران بازگشت به میهن

خواجه در بین راه بازگشت به میهن از شهرهای مختلف عبور کرد و به نیشابور رسید، نیشابور در آن زمان چند بار مورد هجوم قرار گرفته بود و شهر در دست مغولان بود.

خواجه بعد از نیشابور به طرف طوس زادگاه خویش ادامه مسیر داد و از آنجا خود را به قاین رساند تا بعد از سالها به دیدار مادر و خواهرش موفق شود. مدتی در قاین اقامت کرده و به تقاضای اهل شهر امام جماعت مسجد شهر را قبول و به مسائل دینی مردم رسیدگی کرد و اطلاعاتی نیز درباره قوم مغول به دست آورد.

خواجه در سال ۶۲۸ هـ. ق، در شهر قاین با دختر فخر الدین نقاش پیمان زناشویی بست و به این ترتیب دوره ای دیگر از زندگی پر فراز و نشیب خواجه آغاز گردید. بعد از چند ماه سکونت در شهر قاین از طرف محتشم قهستان به نام ناصر الدین که مردی فاضل و کریم و دوستدار فلاسفه بود دعوت به قلعه شد او به اتفاق همسرش به قلعه اسماعیلیان رهسپار شد. قلعه های اسماعیلیه بهترین و محکم ترین مکان در برابر حمله مغولها بود.

در این مدت که خواجه نصیر در قلعه قهستان بود بسیار مورد احترام و تکریم قرار می گرفت و آزادانه به شهر قاین رفت و آمد داشته و به امور مردم رسیدگی می نمود در همین زمان بود که به درخواست میزبان کتاب (طهاره الاعراق) ابن مسکویه را از عربی به فارسی ترجمه کرد و نام آن را اخلاق ناصری (به نام میزبان خود) نهاد.

خواجه نصیر حدود ۲۶ سال در قلعه های اسماعیلیه به سر برد و در این مدت دست به تألیف و تحریر کتابهای متعددی زد از جمله شرح اشارات ابن سینا، اخلاق ناصری، رساله معینیه، مطلوب المومنین، روضه القلوب، رساله تولی و تبری و خواجه در این دوره از زندگانی پرماجرای خویش از کتابخانه های غنی اسماعیلیان بهره ها برد و به علت نبوغ فکری و دانش و الایش، معروف و سرشناس گشت.

مغول بیشتر ممالک اسلامی را به اطاعت خود در آورده بود ولی اسماعیلیه و بنی عباس هنوز در قدرت بودند در حالی که سران مغول در فکر یورش به بغداد، مقر بنی عباس، بودند اسماعیلیه ظلم و ستم را از حد گذرانده و فساد آنقدر شدت پیدا کرده بود که کسی طاقت نداشت تا جایی که قاضی شمس الدین قزوینی که عالم و مورد اعتماد مردم قزوین بود از ستم فزون از حد اسماعیلیه به (قا آن) نوه چنگیز خان شکایت برده و طلب کمک نمود تا اینکه (قا آن) برادر کوچک خود هلاکو خان را مأمور سر کوبی قلعه های اسماعیلیه کرد. هلاکو خان در سال ۶۵۱ هـ. ق، با ۱۲۰۰۰ نفر روانه قهستان شد، نماینده ای پیش (ناصر الدین) گسیل داشته و او را به قبول اطاعت از خود فرمان داد ناصر الدین که در این زمان پیر و ناتوان شده بود به نزد هلاکو رفت و تسلیم گردید. هلاکو هم او را محترم شمرد و به حکومت شهر تون (فردوس کنونی) فرستاد. با تسلیم شدن ناصر الدین عملا شکستی در جبهه اسماعیلیه رخ داد و مغولان قلعه ها را یکی پس از دیگری تسخیر کردند.

خواجه نصیر با اطلاع از این جریان دانست که هلاکو مرد خونریزی نیست چون که ناصر الدین را دولت دیگر بخشیده سپس هلاکو دو نماینده نزد (خورشاه) فرستاد و او را به تسلیم شدن خواند، خورشاه با مشورت و صلاح دید خواجه حاضر به قبول اطاعت شد خواجه مذاکراتی با هلاکو داشت و ضمن آن گفت پادشاه نباید از بابت قلعه ها نگران باشد چونکه دلایل نجومی چنان نشان می دهد که دولت اسماعیلیه در حال سقوط است. پیش بینی خواجه درست بود روز شنبه اول ذیقعده سال ۶۵۴ هـ. ق، با تسلیم شدن خورشاه نقطه پایان بر حکومت اسماعیلیان در ایران گذاشته شد و از آن پس جز نامی از اسماعیلیان در تاریخ باقی نماند. خان مغول خواجه را که در جلوگیری از خونریزی و تسلیم شدن خورشاه نقش بسزایی داشت با احترام پذیرفت و از او تجلیل فراوانی نمود.

هیجدهم ماه ذیحجه سال ۶۷۲ هـ. ق، آسمان بغداد رنگ دیگری داشت، گویی اتفاقی در شرف وقوع است که آرامش را از این شهر بگیرد و مردم را در عزا بنشانند.

با رحلت خواجه بغداد یکپارچه غرق ماتم شد و اشکها چون سیلاب از گونه ها جاری شد. با ارتحال خواجه، جهان تشیع بزرگترین حامی خویش را در دستگاه حکومت از دست داد. خواجه با احترام خاصی به سوی آستان مقدس امام کاظم (ع) تشییع و در جوار آن امام همام به خاک سپرده شد.